

# تحلیل مضمون ایثار در سه اثر نمایشی ناشناخته دفاع مقدس

فرهاد کاکهرش \*<sup>۱</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مهاباد

رقیه قلیزاده<sup>۲</sup>

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مهاباد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۹)

## چکیده

ادبیات نمایشی بستر مناسبی جهت تبیین جایگاه فرهنگ ایثار است و در بررسی مضامین ایثار و فداکاری و شهادت در ادبیات نمایشی، آذربایجان غربی یکی از الگوهای درخور توجه بوده و سهم بسزایی در بازآفرینی حوادث و ارزش‌های ایرانی و اسلامی دارد. در نمایشنامه‌نویسی دفاع مقدس، مفاهیم ایثار و فداکاری که مفاهیمی خاص به شمار می‌روند، همواره مورد توجه نمایشنامه‌نویسان بوده است و جهان‌بینی و شناخت نمایشنامه‌نویس هم از جنگ و دفاع، در بروز این مفاهیم تأثیرگذار بوده و نقد و تحلیل این آثار در شناخت نقاط ضعف و قوت آن‌ها نقش فزاینده‌ای داشته و دارد. در این مکتوب، نگارندگان تلاش کرده‌اند با معرفی سه اثر نمایشی «بدریه، ما ادری»، «برادرها می‌میرند» و «خاکی میان آسمان»، نحوه نمودهای ایثار در آن‌ها را بررسی کرده و با الگویی از این‌گونه آثار، به واکاوی علل و عوامل مؤثر در تجلی ایثار در این متون نمایشی بپردازند. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و به صورت پژوهش موردی بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. توجه نویسنده به موضوعات ملی، خانوادگی، دینی و عاشقانه نیز منعطف بوده و حضور زن و مرد به نسبت تقریباً برابر قابل توجه است. هدف اصلی از مقاله حاضر «تحلیل نمایشنامه‌ها و تعیین جایگاه ایثار در آن‌ها» است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، در مجموع نود مرتبه در نمایشنامه مورد نظر به مؤلفه‌های ایثار توجه شده است. همچنین توجه نویسنده به موضوعات ملی، خانوادگی، دینی و عاشقانه نیز منعطف بوده است. حضور زن در این عرصه می‌تواند به‌عنوان ویژگی اصلی نمایشنامه‌های استان آذربایجان غربی محسوب شود.

**کلمات کلیدی:** ادبیات نمایشی، ایثار، دفاع مقدس، تحلیل مضمون.

\* نویسنده مسئول: farhad\_kakarash@yahoo.com

## ۱- مقدمه

واقعیت این است که مفاهیم و نظریه‌های داستانی جنگ، به‌ویژه در جامعه ادبی ما، آن‌چنان که باید، واکاوی نشده‌اند و این بخش مهم از ادبیات داستانی ایران جای تحقیق بیشتری دارد. از همین روست که هنوز تعریف جامع و مانعی از بسیاری از مفاهیم این گونه ادبی ارائه نشده یا دست کم از سوی صاحب‌نظران مختلف مورد بحث قرار نگرفته است و هر گروه، به فراخور اندیشه‌های خویش تأویلی از این مفاهیم ارائه داده‌اند، تا جایی که بعضی معتقدند: «ادبیات جنگ نه تنها شامل آثار ادبی تولیدشده در صحنه‌های جنگ و زمان جنگ است، بلکه آثار تولیدشده در خارج از صحنه‌های نبرد و پس از جنگ را نیز در بر می‌گیرد» (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

ادبیات نمایشی جنگ سهم بسزایی در بازآفرینی حوادث و ارزش‌های اسلامی و ایرانی داشته است و نویسندگان به فراخور توانایی و میزان آشنایی با این گونه ادبی، اقدام به خلق اثر کرده‌اند. لذا نقد و تحلیل این آثار، به‌خصوص آثاری که در مناطق مرزی به وجود آمده که هم بن‌مایه‌ها و پیشینه فرهنگی، ادبی، قومی و مذهبی غنی و متنوع دارند و هم مستقیماً با رخداد دفاع و جنگ مواجه بوده‌اند، در شناخت نقاط ضعف و قوت آن‌ها نقش فزاینده‌ای دارد. تحلیل نمایشنامه، به‌عنوان وجدان ادبیات و واکاوی ردپای ایثار در بطن نمایشنامه‌ها، به پاسداشت همه مجاهدت‌ها و فضیلت‌های قابل ستایش نمایشنامه‌نویسان حوزه ایثار، ضروری می‌نماید. بر همین اساس، نگارنده بر آن شده است تا این اثر را برپایه معیارها و مقیاس‌های نقد علمی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. در واقع جهان‌بینی نمایشنامه‌نویس در بروز این مفاهیم تأثیرگذار است. هرچند که برای تصویر و بازآفرینی واقعه یا وقایع جنگ، نمایشنامه‌نویس نیازمند آن است که اعتقادات ملی‌مذهبی دوران جنگ را مورد بازشناسی و تفحص قرار دهد تا اثرش به‌عنوان برش کوچکی از زندگی، روزها و لحظات آن را باورپذیرتر و واقعی‌تر جلوه دهد؛ به‌خصوص آنکه این مفاهیم، مفاهیمی نیستند که خواننده یا منتقد بخواهد، چه در حوزه نمایشنامه‌نویسی جنگ و چه در سایر حوزه‌های دیگر فرهنگی هنری، به‌سادگی یا با سطحی‌نگری از کنار آن عبور کند. در این گونه روایت‌ها، بن‌مایه‌های بومی نقش آفرینی دارند.

روایت داستانی یکی از انواع روایت می‌باشد که در قالب و فرم داستان بیان می‌شود؛ حال آنکه همین داستان، نوعی متن و زبان نمایشنامه است. پس به‌مدد شیوه‌های تحلیل روایت داستان می‌توان نمایشنامه‌های دفاع مقدس را که غالباً از نوع روایی هستند، تحلیل و واکاوی نمود. گرچه نظریه‌های گوناگونی درباره تحلیل روایت وجود دارد، رویکردی که در اینجا مدنظر است از نوع تحلیل مضمون است. «از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. این روش مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند» (عابدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

## ۲- تحلیل مضمون

تحلیل مضمون یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است؛ به همین دلیل بویاتزیس (۱۹۹۸) آن را نه روشی خاص، بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف معرفی می‌کند. ریان و برنارد (۲۰۰۰) نیز کدگذاری مضامین را فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی معرفی می‌کنند تا روشی منحصر به فرد و خاص. اما به‌عقیده براون و کلارک (۲۰۰۶)، تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن انعطاف‌پذیری است (عابدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۱ تا ۱۵۲).

به‌طور کلی، تحلیل مضمون روشی است برای:

۱. دیدن متن؛
۲. برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛
۳. تحلیل اطلاعات کیفی؛
۴. مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ؛
۵. تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (همان: ۱۵۳).

مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. با توجه به تنوع روش‌های به‌کاررفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد (همان: ۱۵۹).

در این جستار، ابتدا با مطالعه دقیق متن به شناخت عوامل و سازه‌های تشکیل‌دهنده روایت ایثار در سه نمایشنامه «بدریه، ما ادری» و «خاکی میان آسمان»، هر دو نوشته قاسم لطفی خواجه‌پاشا، و نمایشنامه «برادرها می‌میرند» نوشته رسول بانگین، و ارتباط این سازه‌ها در متن نمایشنامه‌ها پرداخته، تا حد امکان ارتباط پنهان نیز در آن‌ها شناسایی شده تا طرح اولیه متن (نمایشنامه) استخراج گردد. در این مرحله، منشأ شناسایی مضمون مبتنی بر شاخص‌های ایثار است که در طول تحلیل کشف و لحاظ می‌گردد. در ادامه، علاوه بر توجه به بعد جنسی (مرد / زن)، هر مضمون براساس ویژگی‌های موضوعی، در شش دسته جداگانه تقسیم و طی جدولی، به تفکیک ارائه می‌شود. در هنرهای نمایشی، گذشت و ایثارگری یا فداکاری فرد در راه دیگران، به‌عنوان درون‌مایه‌ای جذاب و تأثیرگذار، از دیرباز مورد توجه درام‌نویسان بزرگ بوده است و در این زمینه، بسیاری از نویسندگان آثار زیبا آفریده‌اند. پس از بررسی اجمالی این‌گونه نمایشنامه‌ها می‌توان براساس ویژگی‌های موضوعی، آن‌ها را در شش بخش دسته‌بندی کرد: ایثار عاشقانه؛ ایثار خانوادگی؛ ایثار سیاسی؛ ایثار ملی؛ ایثار عرفانی؛ ایثار دینی (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۶). برای نشان‌دادن الگوی علمی و نمونه این آثار، به سه نمایشنامه استان و جایگاه ایثار اشاره می‌شود. در این مقاله به‌علت رعایت حجم، به تحلیل برشی از متن و شیوه نگارش نمایشنامه‌ها و خلاصه آن‌ها بسنده شده است.

## ۱-۲. نمایشنامه بدریه، ما ادری

نویسنده: قاسم لطفی خواجه‌پاشا؛ بازنویسی: محمدعلی عسکری؛ مجموعه پنج نمایشنامه، انتشارات: سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۲۳ صفحه.

شخصیت‌ها: بدریه، رسول، صالح.

خلاصه نمایشنامه: داستان حاضر به‌صورت نمایشنامه، با موضوع جنگ ایران و عراق به نگارش درآمده است. در نمایشنامه آمده است: بدریه و رسول اهل خرمشهر هستند که به‌رغم مخالفت‌های خانواده، باهم نامزد می‌کنند. رسول برای ادامه تحصیل به انگلیس می‌رود و قرار است بعد از چهار سال برگردد. در این فاصله، خرمشهر به‌دست نیروهای بعثی اشغال می‌شود و عراقی‌ها پدر و مادر بدریه را به وضع فجیعی کشته و می‌سوزانند. خود بدریه هم اسیر می‌شود و سیدی، فرمانده عراقی، نیت شومی درمورد وی دارد. دکتر صالح، پزشک همراه عراقی‌ها که اهل بغداد است، بدریه را وادار می‌کند که با

او فرار کند؛ اما بدریه سوار لنج نمی‌شود و همان‌جا کنار رود، به دنبال نارنجکی می‌گردد که رسول قبل از رفتنش به انگلیس، در آنجا پنهان کرده بود. نیروهای بعثی او را محاصره می‌کنند و انفجاری صورت می‌گیرد که منجر به کشته شدن عراقی‌ها و شهادت بدریه می‌شود. دکتر صالح که نظاره‌گر این ماجرا بود، اینک آزاده‌ای است شیمیایی، که پس از گذشت سی سال از آن واقعه، در خرمشهر، با پزشک معالجش که همان رسول (نامزد بدریه) است، روبه‌رو می‌شود. رسول قصه بدریه و عاقبتش را از زبان صالح می‌شنود. او که قبل از این گمان می‌کرد بدریه به عهدش پایبند نبوده و او را ترک کرده، ضمن سرزنش خود نسبت به افکاری که علیه بدریه در سر می‌پرورانده، تصمیم می‌گیرد در مکان شهادت بدریه، بیمارستان خیریه‌ای با هزینه خودش بسازد.

در این بخش براساس «شاخص‌های ایثار»، به تحلیل و بررسی متن روایی نمایشنامه «بدریه، ما ادری» پرداخته خواهد شد. خطرپذیری، اعتماد به دیگران، عدم دنیاپرستی، وطن‌دوستی، انجام وظیفه و مسئولیت و امید به زندگی، از جمله شاخص‌های به کاررفته در این نمایشنامه است که به مصداق‌های آن در ذیل پرداخته می‌شود. برای نمونه، خطرپذیری و اعتماد به دیگران تحلیل می‌شود:

یکی از رخدادهای مهم در این نمایشنامه، تصمیم خطرناک و درعین حال شجاعانه پدر بدریه در ماندن در خرمشهر و دفاع از شهر و زندگی‌اش بود. همین امر هم سبب شهادت پدر و مادر و درنهایت خود بدریه شد. او علی‌رغم اصرار بدریه، از ترک شهر و خانه سر باز زد. بدریه هم در چند مرحله، با به‌خطرانداختن جان خود از آبروی خود دفاع کرده، با عراقی‌ها درگیر می‌شود و به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که به او نزدیک شوند. رسول قبل از رفتنش به انگلیس، به بدریه قول داده بود که برمی‌گردد و با او ازدواج می‌کند. بدریه حتی در شرایط بحرانی حاضر نبود لحظه‌ای از اعتماد به رسول سر باز زند. او با وجود اینکه در اسارت عراقی‌ها به سر می‌برد، اما حاضر نشد با پزشک عراقی فرار کرده و جان خود را نجات دهد.

## ۲-۲. نمایشنامه «برادرها می‌میرند»

نویسنده: رسول بانگین، اسفندماه ۱۳۸۹، اثر چاپ‌نشده، ۱۰ صفحه.

شخصیت‌ها: مرد، زن، برادر، خواهر، پدر و مادر.

خلاصه نمایشنامه: این نمایشنامه با موضوع اسارت در زمان جنگ و تبعات ناشی از آن به نگارش درآمده است. ماجرا از این قرار است که شخصی با عنوان «مرد»، در یک حمله ناگهانی و بی‌امان دشمن، پس از شهادت عده‌ای از هم‌زمانش، به طرز ناباورانه‌ای جان سالم به در برده و اسیر می‌شود. دیگران که از این موضوع بی‌اطلاع بودند، خبر شهادت او را به خانواده‌اش می‌رسانند. در حالی که «مرد»، در اسارت، به خانواده و همسر و فرزند تازه متولدشده‌اش (باران) می‌اندیشد، این خبر ناگهانی سیر عادی زندگی خانواده «مرد» را از جریان خارج می‌کند. خانواده تصمیم می‌گیرد که «برادر» «مرد» با «زن» «مرد» ازدواج کند. تصمیمی که با نیت حفظ بقای خانواده و فداکاری «برادر» و «زن»، عملی می‌شود. چیزی نمی‌گذرد که روح امید به زندگی به خانواده برگشته و با تولد فرزندی دیگر (باوان)، زندگی شیرین‌تر می‌شود. زندگی روال عادی خود را طی می‌کند تا اینکه با اتمام جنگ، خبر آزادی اسرا و به دنبال آن زنده‌بودن «مرد»، همه را بهت زده می‌کند. «مرد» به خانه بازمی‌گردد و از جریان مطلع می‌شود. «برادر» با این استدلال که حق «مرد» را تصاحب نموده است، بدون اطلاع خانه را ترک می‌کند و قصد بازگشت ندارد. از طرفی «مرد» که می‌بیند با بازگشت خود همه چیز را خراب کرده، از آمدنش

پشیمان شده و برای همیشه از خانه می‌رود. آن‌ها بیست سال است که برنگشته‌اند و به‌زعم خود با فداکاری، موقعیت زندگی با «زن» و فرزند را به دیگری سپرده‌اند؛ حال آنکه «زن» در این میان تنها مانده و بیشترین صدمه را دیده است. در نهایت، «زن» تصمیم می‌گیرد تا زمان بازگشت آن‌ها به نگهداری از فرزندان بی‌گناهمشان پردازد.

این نمایشنامه اگرچه به‌عنوان یک درام تلخ و یک تراژدی (خانوادگی شهری) امروزی، ساده و بی‌ادعا مطرح می‌شود، اما در هریک از شخصیت‌های آن می‌توان مفاهیم ایثار و مقاومت را به‌خوبی دید و احساس کرد. «پدر» خانواده براساس حس مسئولیت، فرزند دیگرش را فدا می‌کند و از چنین پیشنهادی به فرزندش راضی است. پس از مواجهه با تراژدی بازگشت «مرد»، به‌نوعی گناه را به گردن خود می‌گیرد؛ اما ایثار برادر بیشتر از حد تصور است: او ابتدا به موانع درونی و بیرونی اشاره می‌کند؛ سپس با ترک خانه و ایثار در حق خانواده‌اش، خود را مستحق تنبیه می‌داند.

بحران در این داستان دستاورد درگیری شخصیت‌ها و مرگ برادرهاست. نویسنده در پایان داستان و در تلاش برای گره‌گشایی، به فرجام درگیری ذهنی شخصیت‌ها پرداخته و هر کدام را به سرنوشتی غم‌انگیز سوق می‌دهد؛ سرنوشتی که هر چند غمناک، اما سعی دارد با نوعی ایثار، پایانی آرمانی را رقم بزند.

## ۲-۳. نمایشنامه «خاکی میان آسمان»

نویسنده: قاسم لطفی خواجه پاشا؛ بازنویسی: محمدعلی عسکری؛ مجموعه پنج نمایشنامه، انتشارات: سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۲۷ صفحه.

شخصیت‌ها: آیلا، اسدی، مصیب، آیدین، سروان قامتی، نعیم و سعید.

خلاصه نمایشنامه: بیمارستانی صحرائی در حاشیه شهر خرمشهر، در احاطه آتش خمپاره‌های دشمن قرار گرفته است. چند آمبولانس جهت انتقال پرسنل و مجروحان اعزام شده است. آمبولانس‌ها گنجایش همه نفرات را ندارند. آیلا (پزشک بیمارستان)، به‌همراه خانم اسدی (پرستار) و یک مجروح دیگر (نعیم) تصمیم می‌گیرند تا زمان بازگشت آمبولانس، در بیمارستان منتظر بمانند. آیدین که برای بازگرداندن آیلا، خواهرش، به خانه، تا آنجا آمده بود نیز همراه آن‌هاست. آیدین اصرار به ترک منطقه و برگشتن به خانه دارد؛ اما آیلا قبول نمی‌کند. در همین اثنا سروان قامتی، فرمانده نیروهای جلو، به‌همراه دو مجروح، یعنی یک عراقی و دیگری برادرش سعید، وارد بیمارستان می‌شوند. سعید که نامزد آیلا است، اطلاعات مهمی از مقر دشمن به دست آورده و باید هرطور شده، این اطلاعات به فرماندهی منتقل شود. سروان قامتی آن‌ها را مأمور مراقبت از سعید می‌کند. آیدین مخالف است و قصد برگرداندن خواهرش را دارد. همه سعی در قانع کردن او دارند. آیدین مجبور می‌شود حقیقتی را بازگو کند که همان فوت مادرشان است. آیلا تحت تأثیر قرار گرفته و می‌خواهد هرچه زودتر برگردد تا در خاک سپاری مادرش شرکت کند. سروان قامتی که باید هرچه زودتر به جلو برگردد، نگران اطلاعات سعید است و سعی در منصرف کردن آن‌ها دارد. آیدین که ترس از کشته شدن سرتاسر وجودش را فرا گرفته، در حال بحث کردن با سروان قامتی است که ناگهان ترکشی به سروان قامتی اصابت کرده و او را به شهادت می‌رساند. همه به‌زده نگاه می‌کنند. آیدین بلافاصله از بیمارستان خارج می‌شود، بلکه خودروبی پیدا کند. مرد عراقی از فرصت استفاده کرده و به‌طرف سعید که بیهوش است، هجوم می‌برد. نعیم با وجود جراحاتش با او درگیر می‌شود. درگیری منجر به کشته شدن مرد عراقی و شهادت نعیم و خانم اسدی می‌شود. سعید که تازه به هوش آمده، با چند جسد روبه‌رو می‌شود.

آیدین هم وحشت زده برمی گردد و وقتی متوجه قضیه می شود، دگرگون می شود. حلقه محاصره دشمن تنگ تر شده و بیمارستان هرچه زودتر باید ترک شود. آن ها یک موتور دارند که فقط دو سرنشین می تواند سوار آن شود. سعید حاوی اطلاعاتی است که حتماً باید به عقب انتقال دهد. در حالی که آیدین و آیلا هر یک به رفتن دیگری با سعید اصرار دارند، سعید اطلاعات را بر روی کاغذی نوشته و علی رغم مخالفت آیلا، او را وادار می کند که به همراه آیدین، اطلاعات را به عقب منتقل کنند. پس از رفتن آن دو، در حالی که منطقه پر شده از نیروهای عراقی، سعید به واحد خمپاره انداز بیسیم می زند و از آن ها می خواهد بیمارستان را که تخلیه شده و در تصرف دشمن است، هدف قرار دهند. دشمن نزدیک بیمارستان است و سعید داخل آن، که صدای سوت خمپاره ها همه جا را فرامی گیرد.

در این نمایشنامه، مانند بیشتر داستان های دفاع مقدس در زمان جنگ، شاهد فداکاری رزمندگان نسبت به یکدیگر هستیم: رزمندگان و نیروهای خودی در همه عرصه ها سرشار از حس ایثار و فداکاری هستند.

مواردی که می توان به عنوان شاخص های ایثار در این نمایشنامه لحاظ کرد، عبارت اند از: انجام وظیفه و مسئولیت؛ دیگرخواهی؛ خطرپذیری؛ احترام به نظر دیگران؛ وطن دوستی؛ امید به زندگی؛ روحیه ایمان و اعتماد به نفس بالا. در ادامه به هر یک پرداخته خواهد شد (برای نمونه، انجام وظیفه و مسئولیت تحلیل می شود):

انجام وظیفه و مسئولیت: انجام وظیفه و مسئولیت که یکی از شاخص های ایثار می باشد، به نوعی در وجود همه رزمندگان تا سرحد شهادت به چشم می خورد. زخمی ها گویی دردی ندارند و تنها دردشان حضور در جبهه و در برابر دشمن متجاوز است:

مصیب: نه دخترم. اینو من می شناسم. درد مرد تو کارش نیست. شیش بار بردنش عقب، فرداش قبل آفتاب تو سنگر بوده. خیلی بدقلقه... (۳) [ایثار ملی - مرد]

دیروز یکی رو آورده بودن، بسکی خون ازش رفته بود رو پا بند نبود. ولی باز حرفش یکی بود، اونم موندن. (۶) [ایثار ملی - مرد]

اسدی: دیکتو فناک... نه نداریم. دو تا بود تموم شد. راه نری کمتر درد می گیره. گلوله از لای زانوت رد شده. حالا تویی این جووری قدم می زدی، هر کی بود زمین و آسمونو دوخته بود به هم. (۲۱) [ایثار ملی - مرد]

همچنین، شخصیت های ایثارگر تا حدی پایبند انجام وظیفه و مسئولیت خود هستند که خانواده و عزیزان خود را فدای آن می کنند:

آیلا: دو روز این ور اون ور به حال مامان کاری نمی کنه. من پرستارم، هدفم همین جاست. (۷) [ایثار ملی - زن]

سروان: مثل من و سعید، اون جلو خیلی ها هستن که واسه عقیده شون برادریشونو فراموش کردن. (۱۳) [ایثار دینی - مرد]

عده ای در حال مرگ هم به فکر وظایف و مسئولیت های خود هستند:

آیدین: یا ابوالفضل! (سروان در آغوش آیدین می افتد و بر روی زمین دراز می کشد. همگی متعجب او را نگاه می کنند).

سروان: سعیدو برگردونید عقب! همین! تو رو خدا برش گردونید (سروان بی جان بر روی زمین دراز می کشد) (نعیم لنگان لنگان خود را به بالای سر سروان قامتی می رساند).

آیدین: این زخمی شده (نعیم خم شده، دستش را زیر گلوی سروان می‌گذارد).

نعیم: (با بغض) خدا بیامرز دشت (نعیم چشمان او را می‌بندد) (۱۸ تا ۱۷) [ایثار ملی - مرد]

و چنانچه کسی ترسی در دل داشته باشد، همه به نگوهرش او می‌پردازند:

خیال نکن من که اینجا نشستم، خیلی خوش به حالمه آقا. منم دانشجویام، مثل سرکار. ولی علی‌الحساب دانشگاه من اینجاست. شما ناراحتی واحدهاتو جای دیگه پاس کن. (۱۹) [ایثار ملی - مرد]

آیلار: باشه، برو خیالتم به من نباشه. منم برمی‌گردم. بالاخره هر جایی کسی رو می‌خواد. من اینجام، تو هم برو خونه... (۲۰) [ایثار ملی - زن]

اشخاص از هر وسیله‌ای برای انجام وظیفه استفاده می‌کنند:

سعید: بگیر. این جاهایی که باید بزنی، اینم جاهاییه که می‌تونن از تو کانالای زیرزمینی برون تو و از یه جا دریان که بعثیا رو دور بزنی. بگیر و برسون قرارگاه. بگیر آیلار. زن رو حرف شوهرش حرف نمی‌زنه، حتی اگه تازه دوماد باشه. (۲۶) [ایثار ملی - مرد]

سعید: برو آیلار. نذار دیر بشه. اون اطلاعاتو برسون به قرارگاه. (۲۶) [ایثار ملی - مرد]

### ۳- تحلیل مضمون و نتایج و یافته‌های پژوهش

در این بخش، براساس شاخص‌های ایثار به تحلیل و بررسی متن روایی نمایشنامه «بدریه، ما ادری» پرداخته خواهد شد. خطرپذیری، اعتماد به دیگران، عدم دنیاپرستی، وطن‌دوستی، انجام وظیفه و مسئولیت و امید به زندگی، از جمله شاخص‌های به‌کاررفته در این نمایشنامه است که به مصداق‌های آن در ذیل پرداخته می‌شود که نتایج این تحقیق در جداول و نمودارهای ذیل معرفی شده است.

در تحلیل نمایشنامه، می‌توان مقوله و مفهوم ایثار را جزئی از داده‌های کیفی محسوب کرد؛ داده‌هایی که در بیشتر مواقع، امکان تبدیل آن به داده‌های کمی غیرممکن است. بررسی و تحقیق پیرامون دوران دفاع مقدس و عرصه ایثار، مستلزم تجهیز توأمان محقق به روش‌های کمی و کیفی و مهارت‌های آن است. در این راستا، نگارنده این پایان‌نامه در ابتدا دست به مفهوم‌سازی پیرامون مقوله ایثار زده، ضمن به‌کارگیری فنون تحقیق، موضوعات یادشده را بر مبنای تحلیل مضمون مورد تدقیق و توجه قرار داده، سپس به تحلیل ساختار نمایشنامه پرداخته است. اصول اساسی این تحلیل مبتنی بر نمایشنامه‌های چاپ‌شده و چاپ‌نشده دفاع مقدس آذربایجان غربی است.

عمده‌ترین مؤلفه‌های مبین فرهنگ ایثار که در تحلیل نمایشنامه‌های مورد نظر به کار رفته‌اند، شامل خطرپذیری، اعتماد به دیگران، عدم دنیاپرستی، وطن‌دوستی، امید به زندگی، دیگرخواهی، خیرخواهی، احترام به نظر دیگران، انتقادپذیری، پرهیز از خودمحوری، قانع‌بودن، روحیه ایمن، کنترل خشم، اعتماد به نفس بالا و انجام وظیفه و مسئولیت می‌باشد.

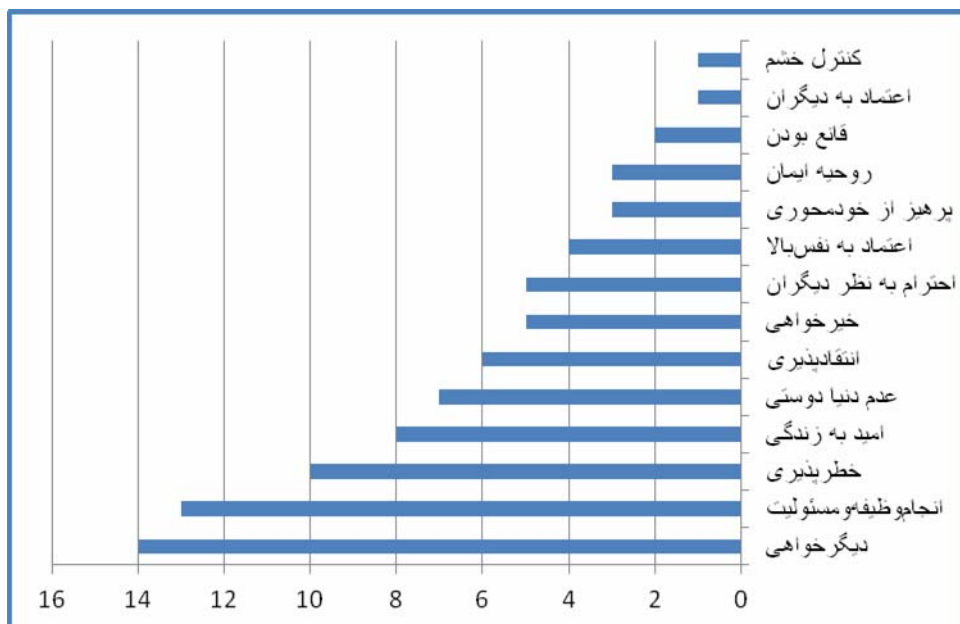
یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در مجموع ۹۰ مرتبه در نمایشنامه‌های مورد نظر به مؤلفه‌های ایثار توجه شده است. بیشترین توجه به مؤلفه‌های دیگرخواهی (۱۴ مرتبه)، انجام وظیفه و مسئولیت (۱۳ مرتبه) و خطرپذیری (۱۰ مرتبه) بوده و کمترین میزان توجه به مؤلفه‌های اعتماد به دیگران (۱ بار)، کنترل خشم (۱ بار) و قانع‌بودن (۲ بار) بوده است. جزئیات بیشتری در جدول شماره ۴ و ۵ ارائه گردیده است.

جدول ۱. نمودار مقادیر ایثار در مجموع سه نمایشنامه.

ردیف	نمایشنامه		بدریه، ما اداری				برادرها می‌میرند				خاکی میان آسمان				جمع کل
	مرد	زن	ملی	عاشقانه	دینی	خانوادگی	ملی	عاشقانه	دینی	خانوادگی	ملی	عاشقانه	دینی	خانوادگی	
۱	خطرپذیری	مرد	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۴
		زن	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۰	۶
۲	اعتماد به دیگران	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
		زن	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۳	عدم دنیادوستی	مرد	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
		زن	۱	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۴	وطن‌دوستی	مرد	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۴
		زن	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۴
۵	امید به زندگی	مرد	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۲
		زن	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۶
۶	دیگرخواهی	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۰	۰	۵
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۰	۳	۹
۷	خیرخواهی	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۳
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۲
۸	احترام به نظر دیگران	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۱	۰	۰	۵
۹	انتقادپذیری	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۰	۰	۰	۶
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰	پرهیز از خودمحوری	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۳
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۱	قانع‌بودن	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۲
۱۲	روحیه ایمان	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
		زن	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۲
۱۳	کنترل خشم	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۴	اعتمادبه نفس بالا	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۰	۳
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
۱۵	انجام وظیفه و مسئولیت	مرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۱۰
		زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰
۹۰	جمع کل	جمع	۸	۴	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۴	۸	۱۹	
		جمع کل													۳۶

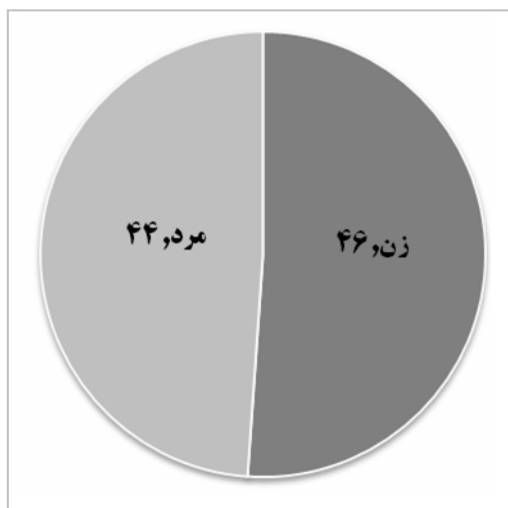


جدول ۲. نمودار فراوانی شاخص‌های ایثار در مجموع سه نمایشنامه.

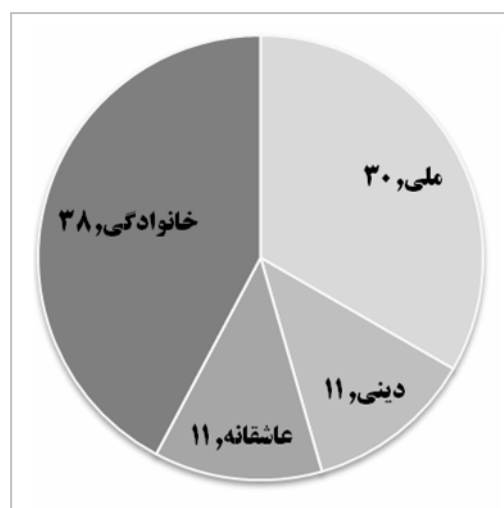


همچنین از میان موضوعات ملی، خانوادگی، دینی، عاشقانه، سیاسی و عرفانی، بیشترین نمود مؤلفه‌های ایثار در موضوعات خانوادگی (۳۸ بار)، سپس موضوعات ملی (۳۰ بار) و در نهایت موضوعات دینی و عاشقانه، هر کدام (۱۱ بار)، بوده و به موضوعات سیاسی و عرفانی اصلاً پرداخته نشده است.

جدول ۴. نمودار فراوانی نسبت جنسیت به ایثار در مجموع سه نمایشنامه.



جدول ۳. نمودار فراوانی موضوع ایثار در مجموع سه نمایشنامه.



بسامد نمود ایثار هم در جنس زن ۴۶ بار و کمی بالاتر از جنس مرد (۴۴ بار) است که خود بیانگر توجه نمایشنامه‌نویسان دفاع مقدس استان آذربایجان غربی به زن و اهمیت حضور زن در عرصه دفاع مقدس است.

با خوانش نمایشنامه‌های مورد نظر، متوجه می‌شویم برخی وقایع نمایشی در دل حادثه جنگ و به‌قولی در درون جبهه‌های

نبرد می گذرند و برخی مربوط به وقایع پس از جنگ است. نمایشنامه «بدریه، ما ادری» با وقایع درون جنگ شروع شده و با وقایع پس از جنگ به پایان می رسد؛ لیکن «بدریه، ما ادری» روایت کابوس گونه‌ای از جنگ ایران و عراق است و متن آن از لحاظ زمان و مکان، از هیچ منطقی پیروی نمی کند. در لحظات دهشتناک، مرز بین واقعیت و غیرواقعیت به هم می خورد. آشفته‌گی روایت داستان و صحنه‌هایی که از واقعیت و زیست عادی ما به دور است، نشان می دهد که برداشتی دیگرگون از واقعیت در متن جاری است. تفاوتی که در این میان بیشتر از همه به چشم می خورد، نقش ناآشنای زن است. این نمایشنامه قصد دارد تا برخلاف تصور سنتی، بر نقش‌های دیگر زنان در جنگ تأکید کند. «بدریه، ما ادری» با کرداری مردانه و گفتاری زنانه، به خلق متنی نو دست زده است و از معدود متونی است که از تفکر سنتی درباره جنگ انتقاد می کند و نقش کلیشه‌ای زن را به چالش می کشد. آنچه در مواجهه با این نمایشنامه به طرز محسوسی استنباط می شود، نقش ایثارگرانه و حضور زن در عین مظلومیتش است. با نگاهی به جدول ۱ متوجه می شویم که از میان ۱۹ مضمون ایثار که در این نمایشنامه به کار رفته، ۱۲ مورد آن مربوط به زن بوده است. از طرفی، زن در این نمایشنامه با خطرپذیری، عدم دنیا دوستی، وطن دوستی، امید به زندگی و اعتماد، حتی در لحظات بحرانی به انتظار می نشیند. این نمایشنامه روایت حس است و نه روایت رخدادها و اتفاقات جنگ. صحنه‌های دردناک که نتیجه ایستادگی خانواده بدریه در مقابل تجاوز دشمن است، همراه با احساساتی که بدریه هنگام دیدن آن‌ها بازمی گوید، علاوه بر نمایش ایثار و پایداری و خطرپذیری تا سرحد شهادت، تأثیر آن را بر خواننده دوچندان می کند.

عشق که یکی از عناصر اصلی مضامین رایج عصر حاضر شده است، در بدریه بیش از هر چیز به عشق به میهن تبدیل می شود و وطن دوستی که یکی از شاخص‌های بنیادین ایثار است، محور اصلی وقایع نمایشنامه را به خود اختصاص داده است.

راوی پایان غم‌انگیز داستان را با پایانی آرمانی که در نظر دارد یکی می کند و از خواننده می خواهد که با روایت‌نویس یکی شود و پایانی را که با شهادت و اعتلای شخصیت اصلی مصادف است و خواننده تاریخی شاهد آن نبوده است، منطبق گرداند.

نمایشنامه «برادرها می میرند»، در سه صحنه روایت می شود: جبهه، اردوگاه اسرا و شهر (خانه). در این نمایشنامه، لحظه پردازی‌ها بسیار دقیق است و تمام حس به مخاطب منتقل می شود. استفاده از تمام حواس پنج‌گانه فضای داستان را سینمایی کرده و حس‌های درونی عاطفی شخصیت، نثر روایت را بسیار روان و تأثیرگذار ساخته است.

«برادرها می میرند» با تشریح یک موقعیت خاص از زندگی یک اسیر جنگ تحمیلی، پس از جنگ، روابط انسان‌ها را در کوچک‌ترین و صمیمانه‌ترین اجتماع، یعنی خانواده، به چالش می کشد. در این اثر، همه شخصیت‌ها حضور فعال و پویا دارند و شخصیت پرتنش هم زن است؛ اما گره‌ها بر اساس حادثه‌ای که برای مرد رخ داده، یعنی همان اسارت، طرح‌ریزی شده است. در این نمایشنامه، خانواده (به عنوان مانع بیرونی) و حس ایثار و دیگرخواهی و خیرخواهی (به عنوان موانع درونی)، سبب شد تا برادر زمینه نابودی خود و خانواده‌اش را رقم بزند. بحران در این داستان دستاورد درگیری شخصیت‌ها و مرگ برادرهاست. نویسنده در پایان داستان و در تلاش برای گره‌گشایی، به فرجام درگیری ذهنی شخصیت‌ها پرداخته و هر کدام را به سرنوشتی غم‌انگیز سوق می دهد؛ سرنوشتی که هر چند غمناک، اما سعی دارد با نوعی ایثار، پایانی آرمانی را رقم بزند.

این نمایشنامه اگرچه به عنوان یک درام تلخ و یک تراژدی (خانوادگی شهری) امروزی، ساده و بی ادعا مطرح می شود، اما در هریک از شخصیت‌های آن می توان مفاهیم ایثار و مقاومت را به خوبی دید و احساس کرد. از سویی، نویسنده این

مفاهیم را در قالب یک درام عاشقانه تصویر می‌سازد و از سوی دیگر، همین مفاهیم را در رویارویی مرد و زن، در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. مرد، پدر، مادر، خواهر، برادر و زن که شخصیت‌های اصلی داستان را تشکیل می‌دهند، به طبقه متوسط جامعه تعلق دارند. آن‌ها با اعتقادات، اهداف و فرهنگ خاص خود، نسبت به رفع دغدغه‌ها ایثار می‌کنند و حتی مطالبات خود را بیان نمی‌کنند و گاه در رویارویی با یکدیگر از حق خود نیز می‌گذرند.

در «برادرها می‌میرند»، ذات روابط انسانی دچار بحران و پریشانی است. تو گویی صدمات جنگ پس از پایان آن بیشتر و کشنده‌تر است و در واقع، بازماندگان بیشتر از اشخاص درگیر در جنگ سختی می‌کشند. در «برادرها می‌میرند»، تحمل چنین شرایط بحرانی همان ایثار واقعی است که در شخصیت زن بیشترین نمود را دارد.

با مطالعه این نمایشنامه درمی‌یابیم که نویسنده مفهوم ایثار و فداکاری را به شکل ناخواسته، در دو نوع ایثار واجب و ایثار حرام مطرح می‌کند. در هر حال، جنگ بر زندگی آدم‌هایی که به شکل مستقیم و غیرمستقیم با آن روبه‌رو هستند تأثیرات بسیاری می‌گذارد و به همین دلیل هم نمایشنامه‌نویس، بر اثر همین رودررویی، حتی زمانی که به روایت ایثار صرف می‌پردازد، بخشی از این تأثیرات را با ذهن و زبان و اعتقادات خود روایت می‌کند؛ روایتی که گاه چنان با تخیلات او آمیخته می‌شود که مخاطب نمی‌تواند مرز میان ایثار و غیرایثار را از یکدیگر جدا کند. این نمایشنامه پرچم‌دار اصلی دغدغه‌های بازماندگان و خانواده اسرای جنگ تحمیلی است؛ دغدغه‌هایی که سایه آن بر روابط انسانی و تعاملات بشری نیز سنگینی می‌کند. خصوصاً اینکه نمایشنامه یک پدیده خانوادگی شهری است و برآمده از اعماق این روابط؛ روایتی آشنا که واقعیتی ملموس دارد؛ واقعیتی که در پیرامون ما در تاریخ و گذشته، حال و آینده ما سیر می‌کند.

نمایشنامه «خاکی میان آسمان» از خط زمانی مستقیم و مشخصی پیروی می‌کند. نمایشنامه روایت ایثارگری کسانی است که چند ساعتی در یک بیماستان صحرایی، در محاصره دشمن به سر می‌برند. نویسنده کوشیده است از طریق زبان و گفت‌وگوها، هم وجوه مختلف شخصیت‌هایش را آشکار سازد و هم آن‌ها را به ارتباط با یکدیگر برساند و هم واکنش‌هایشان را نسبت به مسائل پیرامونی بیان کند. البته این واکنش‌ها یا نسبت به آدم‌هاست یا نسبت به وضعیت ناپایدار است یا نسبت به دستیابی به آنچه که می‌تواند در زندگی آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کند.

نویسنده با قراردادن آیدین در اکثر صحنه‌ها، از آغاز نمایشنامه تا پایان آن، از ورای دیالوگ‌هایی که تک‌تک شخصیت‌ها با او دارند، در واقع، نگرش شخصیت‌ها را برای خواننده آشکار می‌کند. تنها شخصیت درون‌گرای داستان سعید است. او که نقش اصلی و آرمانی نمایشنامه را در مرحله پایانی (گره‌گشایی) برعهده دارد، از روی آگاهی به استقبال شهادت رفته و به بالاترین درجه از ایثار (شهادت) نائل می‌شود.

یکی از ویژگی‌هایی که در این نمایشنامه به چشم می‌خورد، حضور زن و مرد در طول نمایشنامه است که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این اثر، نه تنها نشانه‌ای از طرف‌داری جنسیت زنان دیده نمی‌شود، بلکه شاید در پاره‌ای موارد بتوان به سبب ایثار بیشتری که از سوی مرد (سعید) دیده می‌شود، سنگینی کفه طرف‌داری از جنسیت مرد را بیشتر حس کرد. نمایشنامه‌نویس در اصل کوشیده آدم‌ها را بدون طرف‌داری از جنسیتی واقعی، تصویر کند. او با دوری جستن از آرمان‌خواهی، زن و مردی باورپذیر از دوران جنگ خلق می‌کند که اکنون ما به‌عنوان مخاطب، تنها شاهد نمونه‌ای از ایثارگری آنان می‌شویم.

از این نویسنده پیش‌تر به نمایشنامه «بدریه، ما ادری» در خصوص نمایشنامه‌نویسی جنگ و ایثار زنانه اشاره کردیم. با

ملاحظه این اثر متوجه می‌شویم که نویسنده ضمن توجه به شهادت آگاهانه در هر دو اثر خود، تساوی جنسیتی را نیز در مجموع دو اثرش حفظ نموده است؛ به گونه‌ای که در یکی («بدریه ما ادری»)، اوج ایثار از جانب زن صورت گرفته و در دیگری («خاکی میان آسمان»)، نهایت ایثار توسط مرد بوده است و حتی نمایشنامه‌اش را با آن به پایان می‌رساند.

این حقیقتی است که ماهیت معنوی و فرهنگی ملت‌ها غالباً از طریق آثار خلاقه ادبی آن‌ها به ما منتقل شده است و از رهگذر چنین آثار و متونی است که ما از سنت‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و سایر مقوله‌های قومی و ملی کشورها و ملت‌ها آگاه می‌شویم. ادبیات نمایشی یا تئاتر یکی از همین فنون ادبی است که از نظر موضوعی، گستره وسیعی از سوژه‌ها و موضوع‌های داستانی را شامل می‌شود. ادبیات نمایشی پس از انقلاب، به‌عنوان سندی گران‌بها، علاوه بر اینکه می‌تواند یکی از مشخص‌ترین وجوه ثبت تاریخ باشد، می‌تواند برای نزدیک‌نمودن قصه جنگ به فضای واقعی مورد استفاده قرار گرفته و یکی از بهترین روش‌های حفظ، انتقال و روایت فرهنگ ملی، از جمله فرهنگ ایثار باشد.

### فهرست منابع

۱. آسابرگر، آرتور. (۱۳۸۰). *روایت در فرهنگ عامه، رسانه و زندگی روزمره*. ترجمه محمدرضا لیراوی. تهران: سروش.
۲. امینی، محمدرضا. (۱۳۸۴). تأملی درباره جنبه‌های نمایشی ادبیات فارسی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز* (ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی). دوره ۲۲. ش ۱. پیاپی ۴۲. ص ۲۰۳-۲۱۶.
۳. بیضایی، بهرام. (۱۳۷۹). *نمایش در ایران*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۴. پرونر، میشل. (۱۳۸۵). *تحلیل متون نمایشی*. ترجمه شهناز شاهین. تهران: قطره.
۵. پیک، جان؛ کوپل، مارتین. (۱۳۸۲). *روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی*. ترجمه سرورالسادات جواهریان. تهران: مروارید.
۶. حنیف، محمد؛ حنیف، محسن. (۱۳۸۸). *کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس*. تهران: صریر.
۷. صادقی، قطب‌الدین. (۱۳۸۹). مفهوم ایثار در نمایشنامه‌های جهان. بازیابی از [Nemayesname.blogfa.com.www](http://Nemayesname.blogfa.com.www).
۸. عابدی جعفری و دیگران. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*. سال پنجم. ش ۲. پاییز و زمستان. پیاپی ۱۰.
۹. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان*. تهران: پالیزان.
۱۰. کنان شلومیت، ریمون. (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*. ج ۱. تهران: نیلوفر.
۱۱. کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). *تأملی در جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: باز.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *بررسی جامعه‌شناختی داستان‌های کوتاه جنگ: ادبیات جنگ و موج نو*. به‌اهتمام شاهرخ تندرو صالح. تهران: فرهنگسرای پایداری.
۱۳. لطفی خواجه‌پاشا، قاسم. (۱۳۸۹). *بدریه، ما ادری*. بازنویسی: محمدعلی عسکری. مجموعه پنج نمایشنامه. تهران: سوره مهر.
۱۴. لوته، یاکوب. (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*. ترجمه امید نیک‌فرجام. تهران: مینوی خرد.
۱۵. ملک‌پور، جمشید. (۱۳۶۳). *ادبیات نمایشی در ایران*. ج ۱ و ۲. تهران: توس.
۱۶. میلر، ف. جی. (۱۳۷۷). *روایت*. ترجمه منصور ابراهیمی. در: *روایت و صدرروایت*. زیر نظر محمد پزشکی. تهران: بنیاد فارابی.